

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۳۱ تا ۶۲

تبیین نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا

محسن جان‌پرور^۱، آرش قربانی سپهر^۲، فرشید روزبه^۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹

چکیده

منطقه غرب آسیا در نیم قرن اخیر شاهد تحولات متفاوتی بوده که این تحولات مبتنی بر نزاع میان دولت‌های منطقه‌ای و نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از طریق تعیین ژاندارم برای منطقه غرب آسیا بوده است؛ اما با توجه به نقش مهمی که ایران در تحولات صورت‌گرفته اخیر در منطقه غرب آسیا داشته، شاهد شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای هستیم که در این نظم، یک قدرت منطقه‌ای؛ مانند ایران، از نظر میدانی قدرت بازگشت ثبات به سایر کشورهای درگیر با جنگ داخلی را داشته و توانسته تا حدودی امنیت را به منطقه غرب آسیا بازگرداند و همچنین از نظر دیپلماتیک به چنان قدرتی رسیده که می‌تواند سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند ترکیه و یا روسیه را با خود همراه کند. البته نباید از نظر دور داشت که هیچ کشوری در منطقه و حتی در جهان به اندازه ایران تحت فشار و ظلم قدرت‌های جهانی قرار نداشته است و محدودیت‌هایی که اربابان زر و زور جهان به ایران تحمیل کرده‌اند مطمئناً با آگاهی از قدرت بالقوه ایران و تلاش برای محقق شدن آن در شکل مناسبات امنیتی سیاسی جدید در منطقه بوده است. بر این مبنای پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای، تلاش کرده است تا مفهوم‌سازی درست و قابل قبولی از تبیین جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، امنیت، همگرایی، شیعیان، منطقه غرب آسیا.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد. janparvar@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول:

ar.ghorbanisepahr@mail.um.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد. rozbeh618@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

امنیت یک مفهوم پیچیده و مناقشه‌برانگیز است که شدیداً با احساسات درآمیخته و عمیقاً متأثر از ارزش‌هاست. بسیاری از افراد معتقدند مسئله امنیتی هنگامی به وجود می‌آید که فردی یا گروه تبهکاری یا دولتی، استقلال و یا جان دیگری را تهدید کند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۱۱). از این‌رو امروزه اگرچه تهدیدات، جهانی شده‌اند و امنیت انسانی تمامی جهانیان در مواجهه با این تهدیدات به مخاطره افتاده است ولی در این بین کشورهای در حال توسعه با خطرات و تهدیدات امنیتی مضاعفی روبه‌رو هستند (راستی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). بر این مبنای ایران که منافع و امنیت خود را در نزدیکی همه‌جانبه روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با بلوک غرب و متحدان منطقه‌ای آن مثل عربستان و رژیم صهیونیستی تعریف می‌کرد. این استراتژی در زمان جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد و ایران ثبات استراتژیک را فاصله گرفتن از بلوک‌های غرب و شرق با تکیه بر استراتژی‌های مستقل سیاسی - امنیتی و اقتصادی تعریف کرده و به تقویت روابط با همسایگان مسلمان و کشورهای حوزه جهان اسلام پرداخت (برزگر، ۱۳۹۵: ۳۹۶). از این‌رو جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری آزاد و مستقل به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک، همواره در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار، امپریالیسم، استبداد و خودکامگی و پیشرفت‌های علمی و فناورانه و نیز نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هـ.ش در بُعد داخلی و مقاومت هشت‌ساله در جنگ تحمیلی و مدیریت بحران هسته‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از نمونه‌های بارز و تاریخی این نقش‌آفرینی‌هاست. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به شکل عملی و عینی، برخی کشورهای اسلامی غرب آسیا را پس از چندین سده از انزوا و سکون خارج کرده و به‌سوی همگرایی سوق داده و انرژی آزاد شده آن را به‌عنوان موتور محرکه همه تحولات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی در آورده و مردم مسلمان منطقه به‌ویژه غرب آسیا را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرده است. از سوی دیگر طلسم شکست‌ناپذیر

بودن غول استعمار و امپریالیسم را ابطال کرده و این مسئله خود، جسارت و اعتماد به نفس را به ملت‌های مسلمان، به‌ویژه غرب آسیا بازگردانده است (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۸۳-۸۲). بر این اساس حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه‌ای و ایفای یک نقش فعال با هدف افزایش «امنیت نسبی» یک اصل ثابت از نگاه ایران برای حفظ ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا تعریف می‌شده است. این اصل هم به دلیل برداشت ایران از تأثیرات منفی بی‌ثباتی در منطقه بر امنیت و منافع ملی کشور و هم به دلیل تعریف از جایگاه خود به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و به دنبال آن حق مشارکت در مسائل سیاسی-امنیتی منطقه بوده است. حضور مؤثر ایران در جنگ ظفار در عمان (۱۹۷۲-۱۷۷۶)، بحران منطقه‌ای در عراق (از ۲۰۰۳) و سوریه (از ۲۰۱۳)، جنگ علیه گروه تکفیری- تروریستی داعش (از ۲۰۱۴) و غیره و همچنین استراتژی آن در تنگه هرمز و منطقه خلیج فارس و تأکید بر حفظ و تقویت توانایی‌های موشکی کشور به‌عنوان یک قدرت بازدارنده، بعد از توافق هسته‌ای (برجام) با قدرت‌های بزرگ، البته با ماهیت تدافعی، همگی به‌نوعی در این چهارچوب قرار می‌گیرند (برزگر، ۱۳۹۵: ۳۹۷-۳۹۶)؛ بنابراین، ارزش مقاله در این زمان اهمیت می‌یابد که بتوان به‌درستی تبیین نمود که ایران به‌عنوان مرکز شکل‌دهی ثبات منطقه‌ای تا حدود بسیار زیادی توانسته است همگرایی و امنیت را به این منطقه هدیه دهد. شکست و خروج کامل داعش از عراق و سوریه خود مهر تأییدی بر آن است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است به اهداف خود؛ یعنی تأمین امنیت منطقه و کمک به مستضعفان و کشورهای بی‌نیاز به کمک ما دارند تا حد قابل توجهی مؤثر واقع شود و بتواند جایگاه خود را در میان سایر کشورهای منطقه به‌عنوان ابرقدرت منطقه‌ای شکل دهد و حفظ کند و تهدیدی جدی برای کشورهای غربی به‌ویژه (رژیم صهیونیست و آمریکا) به حساب آید؛ بنابراین سؤال اصلی مقاله حاضر این است که نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا چیست؟ در پاسخ به فرضیه تحقیق می‌توان گفت که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و حتی جهانی که تهدید جدی برای غرب هم به حساب می‌آید، توانسته است با گفتمان ولایی و بر پایه همگرایی با کشورهای همسایه در امنیت منطقه

غرب آسیا نقش بسیار مؤثری را داشته باشد که آخرین آن هم می‌توان به مبارزه نیروهای مقاومت و همگرایی و اتحاد کشورهای شیعه در نابودی نیروهای گروهکی تروریستی داعش و پاک‌سازی وجود نیروهای داعشی در سوریه و عراق اشاره نمود که توانست پس از سال‌ها دوباره امنیت را به کشورهای منطقه غرب آسیا هدیه دهد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

با مطالعه روند تکامل علوم، متوجه می‌شویم که این روند، مرحله به مرحله صورت گرفته و کارهای انجام‌شده در گذشته، در حقیقت اساس و زیربنای تحقیقات جدید بوده‌اند؛ بنابراین یکی از خصیصه‌های پژوهش علمی، توجه به کارهای پیشینان است. این کار سبب می‌شود که پژوهشگر از دوباره‌کاری در تحقیق پرهیز نماید و به جای اتلاف وقت به تکمیل یافته‌های گذشتگان پردازد. مزیت دیگر اطلاع از کارهای صورت‌گرفته مربوط به موضوع تحقیق این است که پژوهشگر می‌تواند با مراجعه به آن‌ها اطلاعات خود را بالا ببرد و با دیدی وسیع به موضوع مورد تحقیق بنگرد. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است تا منابع و مأخذی که دارای ارتباط تنگاتنگ با مقاله‌اند، به‌طور اجمالی بررسی و از مطالب آن‌ها به نحو مطلوب استفاده گردد. بررسی منابع و تحقیقات انجام‌گرفته مبین این است که تحقیقات نسبتاً کمی در جهان در زمینه نقش ایران در امنیت غرب آسیا صورت گرفته است و در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به‌درستی آن‌طور که بایسته و شایسته است نتوانسته‌اند تبیین درست از آن ارائه دهند. در زیر برخی از منابع و تحقیقات انجام‌شده مطالعات داخلی که در ایران در زمینه نقش ایران در تأمین امنیت صورت گرفته است را بیان می‌نمایم که عبارت‌اند از:

- یاسر اسماعیل‌زاده امامقلی و حسنعلی احمدی فشارکی در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ» که در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست به چاپ رسیده است بیان می‌نمایند که حضور و نفوذ داعش در منطقه از نظر امنیتی به‌مثابه شمشیری دو لبه برای امنیت ایران عمل می‌نماید که در

صورت عدم توجه به هر تیغه، تحلیل تأثیر وجود داعش بر امنیت ایران ناقص و نارسا خواهد بود.

- سید ابراهیم قلی‌زاده و محمدرضا کفاش جمشید در سال ۱۳۹۲ در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای سیاسی - امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای با تکیه بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا» که در فصلنامه آفاق امنیت منتشر شده است، پیامدهای سیاسی - امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه را در حوزه شرق مدیترانه منطقه غرب آسیا (شامل کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی) بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

- جهانبخش ایزدی و حمیدرضا اکبری در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای که با عنوان «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا» در فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل به چاپ رسانده‌اند بیان می‌کنند که برای ترسیم افق امنیتی منطقه غرب آسیا پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ ضروری است مؤلفه‌ها، متغیرها و عناصر مهم آن از جمله اسلام سیاسی مورد واکاوی قرار گیرد. از این‌رو در این مقاله به پاسخ این سؤال می‌پردازند که اسلام سیاسی در تکوین نظم امنیتی غرب آسیا چه جایگاهی دارد.

- علیرضا گلشنی و حمیدرضا سهرابی در سال ۱۳۹۳ مقاله‌ای با عنوان «نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا» که در فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی منتشر شده، بیان می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران، منطقه غرب آسیا را منطقه امنیتی خود می‌داند و نمی‌تواند نسبت به تنش‌های سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی و تحولات سیاسی آن بی‌تفاوت باشد.

- محمدرضا حافظ‌نیا و ابراهیم رومینا در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر علایق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا» که در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی منتشر شده بیان می‌کنند که رقابت متقابل ایران و عربستان در منطقه جنوب غرب آسیا، تنش‌هایی را شکل داده است که این رقابت و منازعه به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کرده و تنش‌هایی را در این بخش از

جهان به وجود آورده است که منجر به ناامنی در منطقه جنوب غرب آسیا شده است.

۱-۳. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

امروزه توجه به مفهوم امنیت و روش‌های ارتقای آن، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اساسی در مسائل جهانی تبدیل شده است. از این‌رو معیارهای شناخت و تحلیل امنیت در پهنه جهانی بسیار متفاوت است و با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و محیطی، نوسان پیدا می‌کند. بر این مبنا، جمهوری اسلامی ایران توانسته تا حد بسیار زیادی امنیت را به کشورهای منطقه غرب آسیا و کشورهایی که نیاز به کمک جمهوری اسلامی ایران دارند، هدیه دهد. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا به‌عنوان محور ارتباطی و شکل‌دهنده همگرایی در بین کشورهای همسایه می‌باشد؛ بنابراین، ارزش مقاله در این زمان اهمیت می‌یابد که بتوان به‌درستی تبیین نمود که ایران به‌عنوان مرکز شکل‌دهی ثبات منطقه‌ای تا حدود بسیار زیادی توانسته است همگرایی و امنیت را به این منطقه هدیه دهد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. شیعه

شیعه به لحاظ لغوی بر فرد یا جماعتی اطلاق می‌شود که از فرد دیگری پیروی یا او را همراهی یا با او همکاری کند، یا اسباب نیرومندی او را فراهم سازد یا کیش و آیین او را رواج بخشد. به این ترتیب، معنای لغوی تشیع - مصدر وزن تفعّل - از همان ریشه، مشخص می‌گردد؛ عمل فرد یا جماعت شیعه که همان پیروی از شخص متبوع، یاری او، همراهی و همکاری کردن با او است. شیخ مفید معتقد است معنای لغوی تشیع صرف پیروی از شخص متبوع نیست بلکه پیروی همراه با گرایش درونی و دوستی توأم با اخلاص است (نصیری، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۳). در اصطلاح، شیعه نام عمومی تمام فرقه‌هایی است که قائل به امامت و خلافت بلافضل حضرت علی پس از پیامبر (ص) بوده و اعتقاد دارند که امامت، جز از اولاد وی خارج نمی‌شود. تمام فرقه‌های شیعی معتقد به وجوب و تنصیب امام از جانب

خدا و پیامبر^(ص) بوده و انبیاء و امامان را از گناه مبری و معصوم می‌دانند و به تولی و تبری، اعتقاد دارند (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۹).

آغاز پیدایش شیعه را که برای اولین بار به شیعه علی معروف شدند، همان زمان رحلت پیغمبر اکرم باید دانست. شیعیان یکی از اصول و ایدئولوژی‌های ثابت خود را بر مبنای عدم پذیرش خلافت و رهبری غیر از اهل بیت پیامبر اکرم^(ص) و استبدادی و تحریفی بودن به‌عنوان میراث تاریخی، عقیدتی و نیز سیاسی خود می‌پندارند (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۵). شیعیان خلافت و امامت را در امتداد رسالت و امری الهی و تابع تعیین خداوند و تصریح پیامبر می‌دانند. از این رو به ولایت امیرالمؤمنین علی^(ع) معتقد بوده و در فقه و احکام اسلامی نیز به فعل و سخن امامان معصوم^(ع) ملتزم‌اند. آنان احادیثی را معتبر می‌دانند که از طریق راویان موثق به پیامبر یا یکی از دوازده امام معصوم و حضرت زهرا^(س) منتهی گردد (بغدادی، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

شیعه، عدالت را از صفات خداوند و جزء اصول مذهب خود می‌داند؛ از این رو موضعی انقلابی در کسانی می‌گیرد که مشروعیت ظالم خدا را به خداوند نسبت می‌دهند، شیعه عدالت را از خداوند به تمام نخبگان نسبت می‌دهد و آن را از شرایط لازم خلیفه، والی، حاکم، قاضی، پلیس، امام جمعه و... می‌داند (حسینیان، ۱۳۸۰: ۱۴). در سال‌های اخیر هویت شیعی بیشتر تحت تأثیر عوامل داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. به عبارت دیگر، موضوعات منطقه‌ای در بازتولید و رادیکالیزه شدن هویت شیعی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. گراهام فولر در این باره می‌گوید؛ هویت شیعی همان‌قدر که از ویژگی‌های داخلی متأثر است، از فشارهای خارجی محیط اطراف نیز تأثیر پذیرفته است (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

۲-۲. انقلاب

انقلاب از ماده قلب و به معنای دگرگونی و زیر و رو شدن آمده و در اصطلاح عبارت است از: براندازی سریع و پرخاشگرانه نظام حاکم و ایجاد نظام مطلوب توسط مردم (دهقان، ۱۳۸۴: ۱۳) و انقلاب تحول پیچیده‌ای است که در طی آن حکومت مستقر به دلایلی

توانایی اجبار و اعمال زور را از دست می‌دهد و گروه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی به مبارزه برمی‌خیزند تا قدرت سیاسی را قبضه کنند، این مبارزه اغلب مدتی طول می‌کشد تا آنکه سرانجام نهادهای جدید سیاسی جانشین نهادهای قدیم شوند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱). در تعریفی دیگر ساموئل هانتینگتون معتقد است انقلاب یک تغییر داخلی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط یک جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت‌ها و سیاست‌های حکومت آن جامعه است؛ بنابراین، انقلاب‌ها از قیام، شورش‌ها، طغیان‌ها، کودتاها و جنگ‌های استقلال متمایز هستند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۶۳). جانستون معتقد است خشونت و دگرگونی، چهره‌های متمایزی از انقلاب هستند و انقلاب اعمال استراتژی خشونت برای دگرگونی در ساختار اجتماعی است (اسکاچ پل، ۱۳۷۶: ۲۸)؛ اما انقلاب اسلامی به‌رغم داشتن برخی تشابهات با این تعاریف، دارای مفهوم گسترده‌تری است. عمید زنجانی معتقد است انقلاب اسلامی، دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن بر اساس جهان‌بینی، موازین و ارزش‌های اسلامی، نظام امامت، آگاهی و ایمان مردم، حرکت و پیشگامی متقیان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم استوار است (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۳۱). حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیر اسلامی پیشین و جایگزین نمودن نظام جامع و کامل اسلامی به‌جای آن؛ همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در تمام شئون زندگی خویش به‌عنوان انقلاب اسلامی خوانده می‌شود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۴).

۲-۳. انقلاب اسلامی ایران

انقلاب از حیث لغوی، عبارت است از: برگشتن، برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش (عمید، ۱۳۷۳: ۲۵۳). از حیث مفهومی نیز انقلاب به‌نوعی از کنش سیاسی جمعی و توده‌ای گفته می‌شود که در قالب منازعه‌ای خشونت‌آمیز برای قبضه قدرت دولتی در درون واحد سیاسی مستقلی شکل می‌گیرد. بنابراین، انقلاب، نیازمند سازمان‌دهی، رهبری و ایدئولوژی برای بسیج است و همواره سطحی از خشونت را به

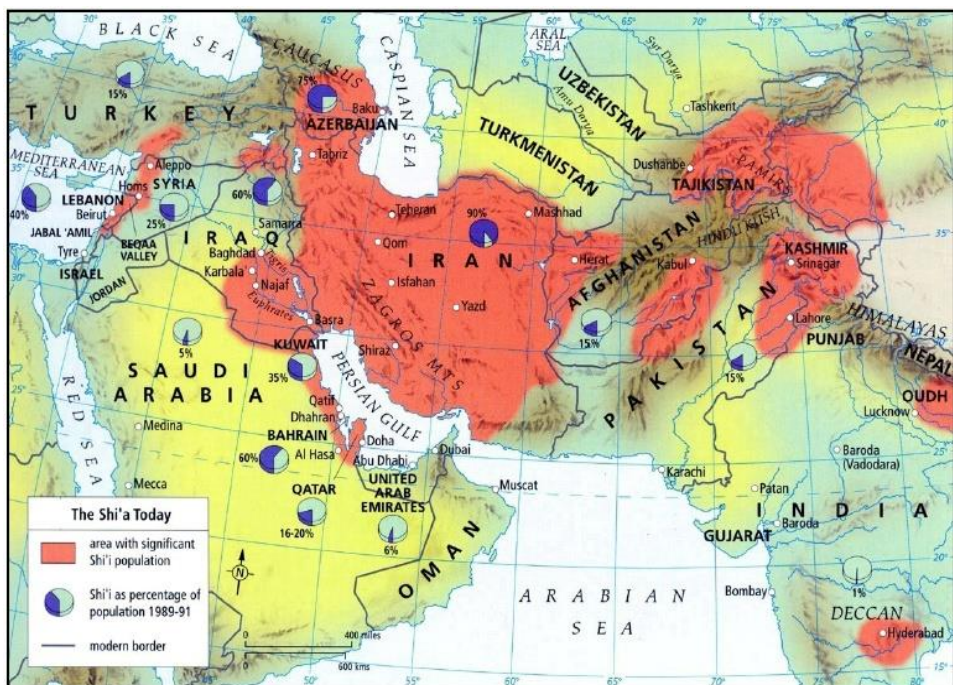
همراه دارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۹۳). در ترکیب «انقلاب اسلامی»، «اسلام»، هدف و «انقلاب»، وسیله است. در واقع، مردم و رهبری انقلاب به وسیله انقلاب تلاش کردند تا دوباره اسلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی احیا نمایند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۳). در این مکتب، انقلاب اسلامی، یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست، بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اسلام به عنوان مکتبی جامع و تضمین‌کننده حیات دنیایی و معنوی انسان است (افشاری راد و آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۴۹). نظام جمهوری اسلامی، نتیجه و برآیند انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی به پیروزی رسید و جانشین نظام سلطنتی پهلوی گردید. هم‌اکنون انقلاب اسلامی ایران متأثر از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آرمان‌ها و تفکرات اسلامی - شیعی و نیز رفتارهای ملی است که به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبلور یافته و در قالب نظام سیاسی «جمهوری اسلامی» عینیت یافته است. دو ویژگی مهم انقلاب که اسپوزیتو آن را «اسلام‌گرایی - آرمان‌گرایی» و «مردمی بودن» می‌داند، به مانند زمان وقوع انقلاب در استمرار آن در سیستم حکومت جمهوری اسلامی نیز پابرجا مانده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۳: ۸۶). از این رو انقلاب اسلامی ایران، باقی است؛ مادام که به آرمان‌ها و اصول آن پایبندی نشان داده شود.

اصطلاح «صدور انقلاب» به عنوان ساخته امام خمینی و پرداخته استراتژیست‌های جمهوری اسلامی، به حقیقتی نظر داشت که از یک‌سو، انقلاب را مکلف به توجه به امور مسلمانان و مستضعفان جهان می‌نمود و از طرف دیگر، ایدئولوژی انقلاب را به دیگر کشورها به عنوان مدل جدیدی از تغییرات بنیادین صادر می‌نمود. اصل صدور انقلاب تا حد زیادی وظیفه دستگاه دیپلماسی انقلاب را مشخص می‌کرد؛ به طوری که تدوینگران قانون اساسی، روح اصل «صدور انقلاب» را در موادی از این قانون گنجانده (قانون اساسی ایران، فصل دهم: اصل ۱۵۴-۱۵۲). در اوایل انقلاب در چگونگی راهبرد صدور انقلاب، بحث‌های بسیاری مطرح بود تا اینکه امام خمینی تکلیف این بحث‌ها را با تأکید بر «صدور معنوی انقلاب» یکسره کردند. از آن پس تا به حال، دولت‌ها کم و بیش، اصل صدور انقلاب را با

استفاده از چهار استراتژی: «الگوسازی»، «تبلیغ و آگاه‌سازی»، «آموزش» و «حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش» (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۷) در تعامل با دیگران به‌ویژه در سطوح منطقه‌ای که منطقه غرب آسیا، نمونه مورد تأکید این نوشتار است به پیش برده‌اند.

۲-۴. جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌های قدرت ملی ایران از جمله، برخورداری از یک دولت ملی قوی، موقعیت ژئوپلیتیک و عنصر ایدئولوژی به شکلی است که به ایران نقش متمایز در مسائل منطقه‌ای می‌دهد. ارزش استراتژیک ایران به دلیل عواملی در منطقه غرب آسیا است که سبب‌ساز موقعیت ایران در قالب بازیگری منطقه‌ای می‌گردد و این تمرکز بر منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران به‌طور خودکار منافع ملی ایران را در بلندمدت در پی خواهد داشت. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم و اساسی در منطقه غرب آسیا نه تنها الزاماً به ایفای نقش می‌پردازد، بلکه در جهت تقویت نقش و افزایش منافع ملی به اتخاذ تصمیم مبادرت می‌کند. از این رو، از جمله مهم‌ترین فرصت‌های ایران، موقعیت جغرافیایی شیعیان است. با نگاهی به نقشه جغرافیایی تشیع مشخص می‌شود که ایران در قلب قلمروهای شیعی جهان قرار گرفته است و شیعیان پیرامون ایران، بسان لایه‌هایی آن را احاطه کرده‌اند. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش. در ایران نقطه عطفی را در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. از دید جغرافیایی نیز، ایران یکی از وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه است که با موقعیتی منحصربه‌فرد بین دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است و بنابراین می‌تواند به یک کانون قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیک با نفوذ قابل توجه بر همسایگانش تبدیل گردد (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۷). در شکل شماره (۲) نقشه پراکندگی شیعیان در خاورمیانه و در شکل شماره (۳) نقشه توزیع جمعیت شیعیان را به‌خوبی می‌بینید.



شکل شماره (۲): نقشه پراکندگی شیعیان در خاورمیانه (منبع: نصر، ۲۰۰۶: ۲۵)

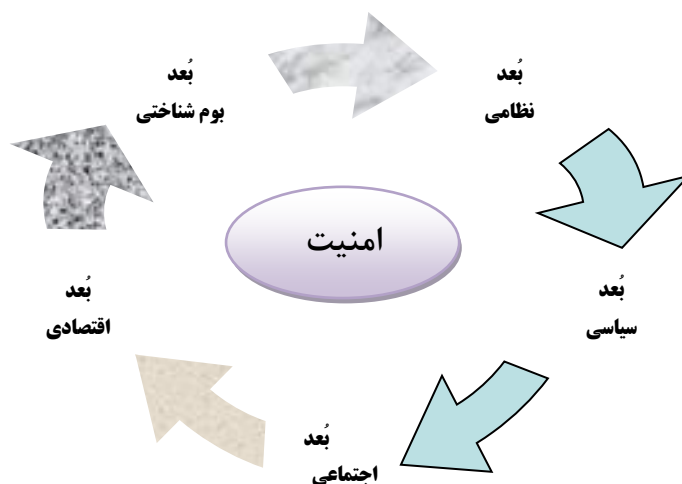
۲-۵. امنیت

«امنیت»^۱ مصدر جعلی یا صناعی فارسی و به معنی ایمن شدن، درامان بودن، بی‌بیمی است (معین، ۱۳۷۱: ۳۵۴). «ایمنی، آرامش و آسودگی» که در اصل از مصدر عربی «امن» اخذ شده و در زبان فارسی متداول شده است (عمید، ۱۳۷۵: ۲۷۵). معنا و مفهوم امنیت در واقع با واژه «امن» یکی است. چنانچه امن را به این گونه معنا و تبیین کرده‌اند: «اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن» (قریشی، ۱۳۷۱: ۱۲۲). در واقع، امنیت را می‌توان یکی از نعمت‌های الهی تلقی کرد که در سایه آن، انسان‌ها به آرامش و آسایش دست می‌یابند و در فقدان آن ترس و اضطراب بر بشریت مستولی می‌شود. پاسداری از امنیت به‌عنوان یکی از موارد مربوط به مبانی تفکر سیاسی قرآن، از یک‌سو، نظم متکی بر عدالت

۱. Security

را هدف می‌گیرد و از سوی دیگر، ظلم، تجاوز به حقوق دیگران و فساد را از ریشه‌های ناامنی می‌داند (زاهدی اصل، ۱۳۸۵: ۵۳). از این رو اندیشمندان معاصر این حوزه با توجه به شرایط عصر حاضر و لزوم توجه به تمام وجوه این مهم، در صدد هستند تا امنیت را با تمام خرده‌نظام‌های جامعه ارتباط دهند. بر این مبنا، از نظر «بوزان» امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: «نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی». «امنیت نظامی» با ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی دولت‌ها با ظرفیت نظامی دولت‌های دیگر مرتبط است. از این رو به طور سنتی بیشترین اولویت را در مفاهیم امنیت کسب می‌کنند. «امنیت سیاسی» در مورد ثبات سازمانی دولت است و ممکن است در جهت سرنگون کردن حکومت و یا دفاع از ایدئولوژی‌ها و نهادهای حکومتی، هدایت شود. به عبارت دیگر، امنیت سیاسی ناظر بر تداوم سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. «امنیت اجتماعی» از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می‌سازد، مرتبط است. در واقع امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قبولی از تحول مربوط است. «امنیت اقتصادی» به معنای دسترسی به منابع مالی، طبیعی، انسانی و... است، یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زرنگی فردی می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. هدف امنیت در این باب حفظ و رسیدن به سطوح قابل از رفاه می‌باشد. «امنیت بوم‌شناختی» (زیست‌محیطی) اشاره دارد به حفظ کردن زیست جهانی و محلی و تهدیدهای این بخش ممکن است به شکل زلزله، طوفان یا تهدیدهایی مانند آلودگی‌های فرامرزی باشد که در اشکال گوناگون به عنوان امنیتی پدیدار شوند، پس امنیت زیست‌محیطی ناظر بر حفظ محیط محلی و جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است، می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). از این رو کشور ایران به عنوان قدرت غرب آسیا در صدد آن است تا علاوه بر تأمین عوامل نام‌برده از امنیت در

داخل کشور خود، امنیت عوامل نام برده در کشورهای منطقه غرب آسیا را هم حفظ و کنترل نماید. بر این مبنا در شکل (۳) ابعاد امنیت ترسیم شده است.



شکل (۳): ابعاد امنیت اجتماعات بشری (مأخذ: نگارندگان)

۲-۶. شاخص‌های قدرت منطقه‌ای

در مورد شاخص‌هایی که بر اساس آن‌ها قدرت منطقه‌ای تعریف می‌شود، اندیشمندان متعددی سخن گفته‌اند. از امتزاج و ترکیب دیدگاه‌های این نظریه‌پردازان می‌توان موارد زیر را استنتاج کرد:

ادعای رهبری منطقه‌ای: قدرت منطقه‌ای باید مدعی قرار داشتن در موقعیت رهبری منطقه باشد. از اصلی‌ترین وجوه استقرار در چنین موقعیتی، توانایی «قاعده‌سازی» است. همچنین در قالب این متغیر، باید «خودپنداری» قدرت منطقه‌ای و پذیرش این تصور و پندار از سوی بازیگران دیگر، مورد بررسی قرار گیرد.

ایجاد نفوذ و ساختارسازی منطقه‌ای: نفوذ یکی از مؤلفه‌های اثرگذاری دولت‌ها قلمداد می‌شود. در قالب نفوذ، قدرت منطقه‌ای می‌کوشد تا سایر دولت‌ها را به ادامه عمل یا سیاستی وادار کند که در راستای منافع اوست. قدرت منطقه‌ای باید در محدوده ژئوپلیتیکی و ساختار سیاسی اندیشه‌ای منطقه از نفوذ برخوردار باشد.

منابع: یکی از شروط الزام برای قرار گرفتن در موقعیت برتر و اعمال قدرت، برخورداری از منابع قدرت است؛ از این رو قدرت منطقه‌ای باید منابع ایدئولوژیک - سازمانی (سیاسی) و مادی (نظامی، اقتصادی و جمعیتی) برای قدرت‌افکنی منطقه‌ای داشته باشد.

ارتباط متقابل: ارتباط از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده میزان و سطح تعامل قدرت منطقه‌ای با سایر کشورهای منطقه است. قدرت منطقه‌ای باید ارتباط متقابل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با سایر بازیگران منطقه‌ای برقرار کرده باشد.

تأثیرگذاری منطقه‌ای: کشور مدعی قرار داشتن در موقعیت قدرت منطقه‌ای، باید دارای تأثیر زیاد و واقعی در امور منطقه‌ای (در ارتباط با فعالیت‌ها و نتایج آن‌ها) باشد.

تعیین دستور کار امنیت منطقه‌ای: دستور کارهای امنیتی، تعیین‌کننده اولویت‌های امنیتی و راهبر سیاست‌های سایر کشورها برای مقابله با چالش‌های موجود هستند. قدرت منطقه‌ای باید قادر باشد دستور کار امنیت منطقه‌ای را تعریف کند.

پذیرش قدرت منطقه‌ای: دولتی که در موقعیت قدرت منطقه‌ای قرار دارد باید موقعیت برترش در منطقه از سوی سایر کشورهای خارج منطقه، به‌ویژه از طرف قدرت‌های منطقه‌ای دیگر، به رسمیت شناخته شود.

نمایندگی منافع منطقه‌ای در اجلاس‌های بین‌المللی: ضروری است قدرت منطقه‌ای با نهادها و اجلاس‌های جهانی و بین‌المللی تعامل داشته باشد و ضمن بیان منافع خود، به‌عنوان نماینده منافع منطقه عمل کند (قلی‌زاده و کفاش جمشید، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۲).

۳. روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس در این تحقیق سعی شده علاوه بر تصویرسازی درست از جایگاه ایران در منطقه غرب آسیا به تشریح و تبیین تأثیرگذاری ایران در افزایش ابعاد امنیت در منطقه پرداخته شود و همچنین اثراتی که این افزایش امنیت در منطقه بر جای گذاشته شده است را بیان

نماییم. در این راستا برای تبیین و توجیه امنیت منطقه غرب آسیا سعی شده با تکیه بر استدلال‌ها و نظراتی که از سوی صاحب‌نظران مختلف در این زمینه ارائه شده، به تجزیه و تحلیل پرداخته و بر اساس آن نتیجه‌گیری شود. لازم به ذکر است که در این تحقیق برای گردآوری و فیش‌برداری آن، از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. بر این مبنای سؤال اصلی تحقیق نیز این است: تا چه میزان ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای توانسته است امنیت منطقه غرب آسیا را تأمین نماید؟

۴. محدوده مورد مطالعه

غرب آسیا منطقه‌ای است شامل سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس. این منطقه در جنوب خاوری اروپا، جنوب باختری آسیا و شمال آفریقا قرار دارد. از این‌رو غرب آسیا بخشی از آفریقا - اوراسیا یا به‌طور خاص آسیا شمرده می‌شود و در بعضی از موارد جزئی از آفریقای شمالی را در برمی‌گیرد. این ناحیه گروه‌های فرهنگی و نژادی گوناگونی از قبیل فرهنگ‌های ایرانی، عربی، بربرها، ترکی، کردی، یهودی و آسوری را در خود جای داده است. زبان‌های اصلی این منطقه، فارسی، عربی، ترکی، کردی، عبری و آسوری است. غرب آسیا تنها یک تعبیر ساده جغرافیایی نیست و با گذشت زمان به محتوای سیاسی و راهبردی این منطقه روزبه‌روز افزوده شده است. این منطقه مهد تمدن‌های بزرگ و مرکز و خاستگاه سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام است. غرب آسیا از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. این منطقه دارای بزرگ‌ترین منابع نفت و مکان کشمکش‌های درازمدت اعراب و رژیم صهیونیستی است؛ بنابراین کشورهای غرب آسیا عبارت‌اند از: ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، عمان، عراق، بحرین، یمن، فلسطین اشغالی، اردن، سوریه، لبنان، کویت، مصر که در این میان ایران همانند صدفی در میان مروارید در درون نقشه جغرافیایی جهان می‌درخشد.



شکل (۴): نقشه منطقه غرب آسیا (مأخذ: همشهری آنلاین)

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. تبیین جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی که منطقه و محدوده توسعه ایران در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران ۲۰ ساله می‌باشد، قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه‌قاره، افغانستان و پاکستان است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد، امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال‌یافته به آب‌های آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد. حساسیت‌های امنیتی- سیاسی حاکم بر منطقه به‌ویژه نزدیکی جغرافیای ایران به رژیم صهیونیستی غاصب که امنیت آن به لحاظ استراتژیکی برای آمریکا از اهمیت زیادی

برخوردار است و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک جمعیت کمی و کیفی سرزمینی، منابع سرشار انرژی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رشد و توسعه ایران، ایران را مرکز ثقل اهرم سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ قرار داده است به حدی که حتی بی‌طرفی ایران در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برای قدرت‌های بزرگ رضایت‌بخش و قانع‌کننده نباشد. بر این اساس با توجه به اینکه ایران در این منطقه حساس جهانی دارای نقش و موقعیت حساسی است که آمریکا در عرصه سیاست‌های استراتژیک خود در قبال خاورمیانه نمی‌تواند آن را مدنظر قرار ندهد، رفتار آمریکا با ایران و قرار دادن ایران در محوریت شرارت از یک‌طرف و انتقال خط مهار ایران توسط آمریکا از البرز به منتهی‌الیه زاگرس و در نهایت تکمیل محاصره ایران از جهات شمال و جنوب و قرار دادن ایران در حلقه انگشتی متحدان خود بسیار قابل ملاحظه و تأمل است. از این‌رو به دلیل ضعف ساختار اقتصادی کشورهای منطقه، به‌خصوص کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و عدم توانایی لازم برای همراهی با فرایند جهانی شدن، سرمایه‌گذاری ایران در این منطقه موجب تأمین منافع ملی این کشور خواهد شد.

پس از فروپاشی شوروی و از میان رفتن مرکزیت سیاست خارجی آمریکا در بلوک شرق، موضوعاتی مانند بروز شکاف میان آمریکا و شرکای استراتژیک آن، رویکرد مخالفت‌جویانه چین، ناتوانی آمریکا از کنترل تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، گرایش روسیه به اقتدارگرایی، تقلیل جایگاه بی‌همتایی اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی و همچنین ناتوانی آمریکا از ارتقای آزادی، همگی باعث شده که آمریکا در سیاست خارجه خود تجدیدنظر کرده و منافع خود را در تعیین اولویت‌های سیاسی خارجی جدید به منطقه آسیای غربی به‌ویژه کشور ایران متمرکز کند. سرمایه‌گذاری‌های طولانی مدت کشورهای قدرتمند در سال‌های اخیر به‌ویژه آمریکا و قلع و قمع مبارزان فلسطینی با دستان رژیم سرسپرده و نامشروع رژیم صهیونیستی بدان جهت صورت می‌پذیرد که ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک بالایی می‌باشد. نظر به اینکه ملاک قدرت در قرن بیست و یکم، توانمندی اقتصادی در سطح بین‌الملل است، خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس به

دلیل داشتن این توانمندی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهد بود؛ طبیعی است ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه در قرن بیست و یکم از لحاظ راهبردی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدیهی است دستیابی به جایگاه هژمونیک و ایفای نقش مؤثر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته بر انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربوری موجود از یک‌طرف و قرار گرفتن ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای میانه که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌آید و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است از طرف دیگر، موقعیت ایران از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن را منحصر به فرد می‌کند. وجود منابع عمده انرژی و نفت در خاورمیانه موقعیت ایران را به‌حدی ارتقاء بخشیده است که با اکثر کشورهای همسایه دارای علایق مشترک ژئوپلیتیک می‌باشد. خطوط لوله انتقالی از مسیر ایران به غرب به مقصد اروپا و جنوب خلیج فارس به‌عنوان کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرهای مطرح، اگرچه با ممانعت‌های آمریکا مواجه شد اما هیچ‌گاه از موقعیت حساس و ژئوپلیتیک ایران نکاسته است. درهرحال ایران برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی، یک کشور ترانزیتی مطلوب است که می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد برساند و با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به‌عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد مطرح است (شهاب فهیم دانش، کتاب منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، ۱۳۸۴)؛ بنابراین، ایران حاکمیت ۵۰٪ یکی از مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی؛ یعنی تنگه هرمز را دارا است که نبض خلیج فارس را در دست دارد. از نظر جغرافیایی اصولاً خلیج فارس یک دریای عمیق نیست و جالب آنکه عمیق‌ترین قسمت آن نیز که جهت کشتیرانی و به‌ویژه حمل‌ونقل کشتی‌های بزرگ مناسب می‌باشد، تقریباً در محدوده متعلق به ایران واقع شده است. در خصوص کشتیرانی در

خلیج فارس و اهمیت جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در این میان باید اشاره کرد که به علت عمق کم آب در تمام نقاط تنگه هرمز که از رأس منسدم تا بندرعباس امتداد دارد، کشتی‌های بزرگ قادر به عبور نبوده و مجبور هستند از ناحیه محدودی که معادل ۱۰ کیلومتر است و عمق آب جهت عبور آن‌ها کافی است، حرکت نمایند. در قسمت شمال این معبر جزایر ایرانی قشم، هرمز و لارک قرار دارند. علاوه بر این، در ابتدای این راه عبور، کشتی‌های بزرگ جنگی و نفت‌کش‌ها مجبور هستند از کنار جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و ... عبور کنند. با این وجود باید مهم‌ترین دلیل اهمیت جزایر سه‌گانه را در مباحث نظامی جستجو کرد. این دو جزیره تنب بزرگ و کوچک به همراه ابوموسی بخشی از سیستم دفاعی و حفاظتی تنگه هرمز و کرانه‌های جنوبی کشور را تشکیل می‌دهند و به‌علاوه موقعیت جغرافیایی آن‌ها در عمق آب‌های خلیج فارس و همچنین در داخل دو کریدور رفت و برگشت طرح تفکیک تردد بین‌المللی کشتی‌ها، از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار است (شهاب فهیم دانش، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷).

۲-۵. ایران بزرگ‌ترین مانع در اجرای طرح سنای آمریکا برای تجزیه غرب آسیا

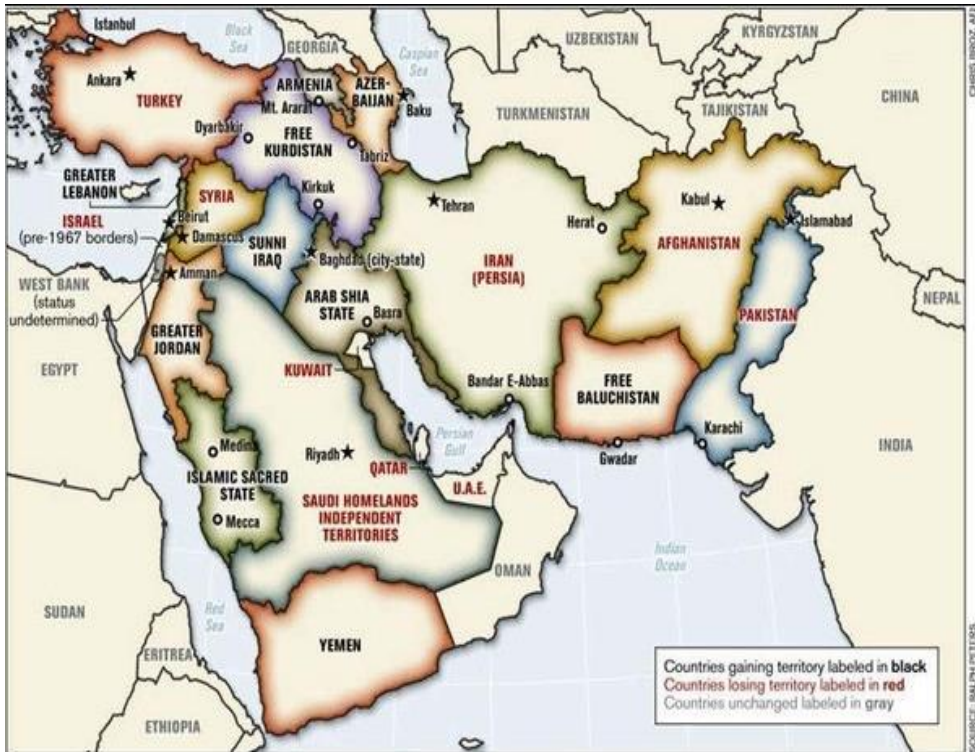
از سوی دیگر سنای آمریکا در سال ۲۰۰۷ طرحی را به تصویب رساند که در آن کشور عراق به سه منطقه سنی، شیعه و کردنشین تقسیم می‌شد و به این مناطق نیز خودمختاری اعطا می‌گردید. این طرح که توسط «جوزف بایدن» ارائه شد و یک طرح پیشنهادی برای برون‌رفت از بحران‌های ناشی از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ است، نشان می‌دهد که تجزیه‌طلبی در منطقه حتی در نهادهای غیرامنیتی ایالات متحده نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. تصویب این طرح در سنا، نشانگر اهمیت یافتن تجزیه کشورهای منطقه در نگاه مقام‌های آمریکایی طی سال‌های آغازین قرن جاری است و باعث می‌شود تا مجموعه اسناد موجود در این رابطه از حساسیتی دوچندان برخوردار شوند. از جمله این اسناد طرح «برنارد لوئیس» برای تجزیه منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است که در دهه ۱۹۸۰ تنظیم شده است. ماجرا از این قرار است که در ماه‌های

آغازین جنگ عراق علیه ایران، «برژینسکی» مشاور وقت امنیت ملی آمریکا از ضرورت اصلاح قرارداد «سایکس پیکو» خبر داد و به دنبال آن و همچنین به دستور وزارت دفاع آمریکا، «برنارد لوئیس» مأمور شد تا طرح مشهور خود درباره از بین بردن وحدت قانونی مجموعه کشورهای اسلامی و عربی را وضع کند. در این میان موظف گردید، برای هر یک از این کشورهای اسلامی و عربی طرح مجزا و مشخصی را تنظیم کند. این طرح، کشورهایی چون عراق، سوریه، لبنان، مصر، سودان، ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان، عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا را در برمی گرفت. برنارد لوئیس برای اولین بار در نشست سال ۱۹۷۹ اعضای بیلدبرگ در اتریش در مورد طرح خود سخن گفت. او طرح خود را که شامل تجزیه کشورهای غرب آسیا از جمله ایران به کشورهای کوچک قابل مدیریت بود، برای سران اقتصادی و سیاسی شرکت کننده در بیلدبرگ ارائه کرد. در این طرح کشورهای غرب آسیا بر اساس بنیانهای زبانی، نژادی و منطقه‌ای تکه‌پاره می‌شوند. بر اساس این طرح انگلیس باید از شورش‌های قومی اقلیت‌هایی مانند دروزی‌ها در لبنان، بلوچ‌ها، ترک‌ها و کردها در ایران، علوی‌ها در سوریه، عیسویان در اتیوپی، فرقه‌های مذهبی در سودان، قبایل عرب در کشورهای مختلف عربی، کردها در ترکیه و... حمایت کند. هدف این طرح تکه‌تکه کردن منطقه غرب آسیا و تبدیل آن به موزاییکی از کشورهای کوچک و ضعیف در حال رقابت با یکدیگر است تا از این طریق قدرت جمهوری‌ها و پادشاهی‌های فعلی تضعیف شود. برنارد لوئیس همچنین مقاله‌ای را در فارین افرز با عنوان «بازاندیشی خاورمیانه» منتشر کرد. او ظرفیت تجزیه این منطقه و تبدیل آن «به هرج و مرجی آکنده از نزاع‌ها، دشمنی‌ها، فرقه‌ها، مناطق و قبایل در حال جنگ» را پیش‌بینی کرد. در سال ۱۹۸۳ کنگره آمریکا نیز با برگزاری نشستی با حضور برنارد لوئیس طرح او را تصویب کرد و دستور داد این طرح در سیاست استراتژیک آمریکا برای سال‌های آینده گنجانده شود. بعد از اینکه برنارد لوئیس کلیات تجزیه و تفکیک کشورهای غرب آسیا را طراحی و ارائه کرد، رالف پیترز، سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا مسئول آن شد تا نقشه جغرافیای تجزیه

کشورهای این منطقه را ترسیم کند. طبق نقشه ترسیم شده پیترز، کشورهای سوریه و عراق به سه کشور، لبنان به هشت کشور، کشورهای شمال آفریقا به شش کشور، مصر و سودان به نه کشور مجزا، ایران و پاکستان و افغانستان در مجموع به ۱۰ کشور و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز به سه کشور تجزیه می‌شدند. فلسطین نیز طبق خواسته رژیم صهیونیستی برای همیشه از روی نقشه جغرافیایی محو می‌شد و کشورهای اردن و یمن نیز به سرنوشت کشور فلسطین دچار می‌شدند (Kurt, 2014: 15).

از این رو هرچند که آمریکا تمام سعی و تلاش خود را کرده بود تا بتواند کشورهای از جمله (سوریه، عراق، یمن، لبنان، افغانستان، پاکستان و ایران) را تجزیه و هرکدام را به چند کشور تجزیه نماید؛ اما جمهوری اسلامی ایران چون سدی در برابر سیاست‌های شوم آمریکا ایستاده و تمام ضربات آن‌ها را تا به حال مهار کرده است. ایران توانست بر ناامنی عراق و سوریه پایان دهد و مانع از تجزیه عراق توسط کردها شود، امنیت را به قطر و یمن بخشید و آن‌ها را مورد حمایت خود قرار داد و همچنین تعدادی از کشورهای آفریقایی را امنیت بخشید ولی هرچند باز هستند کشورهای که از ناملایمتی‌های شوم سیاست‌های جهانی در فقر و ناعدالتی و ناامنی به سر می‌برند و امیدواریم که کشور ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بتواند در آینده‌ای نزدیک امنیت را به منطقه و جهان بازگرداند و زمینه صلح جهانی را فراهم آورد.

شکل شماره (۵): توسط ژنرال رالف پیترز طراحی شده که در مجله نیروهای مسلح در ژوئن ۲۰۰۶ به چاپ رسید؛ وی معتقد بود که چنین نقشه‌ای بر اساس قومیت‌ها و مذاهب می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد.



شکل (۵): نقشه طراحی شده ژنرال رالف پیترز بر اساس قومیت‌ها و مذاهب (Kurt, 2014: 15)

۳-۵. ویژگی‌های انقلاب

با توجه به تعریف‌های فوق، برای انقلاب می‌توان ویژگی‌هایی را برشمرد که آن را از سایر تحولات سیاسی اجتماعی جدا سازد. آن ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب، مردمی بودن آن است. در انقلاب یک بسیج سیاسی و مشارکت توده‌ای شکل می‌گیرد که از همه طبقات و اقشار در آن حضور دارند.

۲. انقلاب با خشونت همراه است و این خشونت در انقلاب دوجانبه است. به این معنا که در منازعه انقلاب نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند.

۳. وقوع آن سریع و ناگهانی است و روند شکل‌گیری آن طولانی از زمان شروع نهضت و تحقق شرایط انقلابی و سرنگونی نظام پیشین و جایگزینی نظام جدید مدت زیادی طول می‌کشد.

۴. در انقلاب تغییر و تحول همه‌جانبه و بنیادی است و همه شئون جامعه تحت تأثیر انقلاب قرار می‌گیرند و ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های پیشین می‌شوند؛ به عبارت دیگر انقلاب تغییر نظام است نه تغییر در نظام و از این رو همه ارزش‌های مسلط و ساختار اجتماعی و سیستم سیاسی حاکم را تغییر می‌دهد.

۵. از آنجایی که انقلاب یک مشارکت توده‌ای است؛ بنابراین مستلزم نوعی سازمان‌دهی، رهبری و ایدئولوژی برای بسیج مردم می‌باشد. ایدئولوژی به منازعه انقلابی جهت و معنا می‌بخشد و کار اساسی آن در چنین منازعه‌ای انتقال معنای مشترک به گروه‌های مختلف برای بسیج آن‌ها می‌باشد. ایدئولوژی‌های انقلابی اصول خود را به‌طور مطلق بر حق می‌دانند و همین تصور به فعالیت انقلابیون یقین و قطعیت لازم را می‌بخشد. نقش رهبری در انقلاب در زمینه بسیج سیاسی معنا پیدا می‌کند. در چنین زمینه‌ای رهبران مسائلی را مورد تأکید قرار می‌دهند که در میان گروه‌ها و طبقات گوناگون جامعه مشترک هستند.

۵-۴. بازتاب و ثمرات جهانی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های اجتماعی در قرن بیستم است. در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را درنوردیده و سرنوشت ملت‌ها را به هم پیوند زده، پدیده‌ای با این گستردگی و عظمت نه تنها نهادها و نظام‌های سیاسی یک ملت و یک قوم را درهم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داده است، بلکه دامنه‌های آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت و سوی تازه و دنیایی نو به جریان انداخته است. تمامی تئوری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های شرق و غرب و حتی نهضت‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی موجود در

کل منطقه آسیا و خاورمیانه را به چالشی جدید فراخوانده و این تأثیرات حتی تا قلب اروپا و آمریکا پیش رفته است. از این رو شناخت درست این پدیده و میزان تأثیرات آن در گستره نظام‌های جهانی به شدت لازم و ضروری است؛ بنابراین می‌توان گفت بازتاب و ثمرات این انقلاب و در پی آن قدرت یافتن آن در منطقه و جهان به حدی بوده است که توانسته امنیت را به منطقه بازگرداند و موفقیت‌های بزرگی از جمله نابودی و به هلاکت رساندن گروهک‌های تروریستی داعش را در منطقه داشته باشد و ثمرات این انقلاب هم نصیب سایر کشورهای منطقه شده باشد.

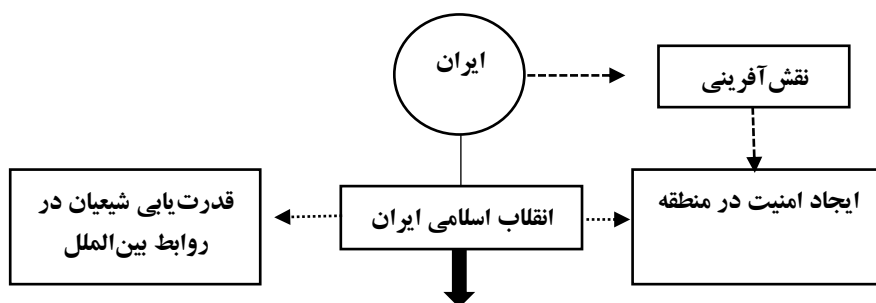
۵-۵. نقش جمهوری اسلامی ایران در قدرت‌یابی و امنیت منطقه

به دنبال انقلاب ایران شیعیان در کشورهای مختلف با احساس هویت و خودباوری به سمت تشکیلاتی شدن و تأسیس احزاب گوناگون حرکت کردند و به دنبال آن به تدریج توانستند در نظام‌های مدیریتی کورهایشان (دولت، پارلمان) وارد شده، اثرگذار باشند (احمدی و حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۶). به عنوان نمونه می‌توان تأثیر انقلاب ایران را در رویدادهای اخیر عراق مشاهده کرد؛ سرنگونی صدام و نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از آن موجب ایجاد و گسترش نوعی خودآگاهی و خودباوری و توجه به اهمیت خود در معادلات سیاسی شده است (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۷). به گونه‌ای که در حال حاضر شیعیان در کلیه نهادهای سیاسی جدید التأسیس جایگاه مناسبی را به خود اختصاص داده‌اند و در هیچ‌کدام از نهادهای اساسی، بدون نظر شیعیان، تصمیم‌سازی امکان‌پذیر نیست (همان: ۱۲۳). در برخی از کشورهای دیگر چون افغانستان و پاکستان نیز این امر صادق است؛ هم‌اکنون هزاره‌ها در افغانستان به صورت یکی از بازیگران عمده صحنه سیاسی این کشور و به‌طور کلی منطقه و حتی جهان درآمده است و شیعه‌مذهب بودن هزاره‌ها نیروی محرک این تحول به شمار می‌رود (توال، ۱۳۸۰: ۹۰). در پاکستان نیز گرچه شیعیان در میان اکثریت سنی، اقلیت به شمار می‌روند اما از نظر سیاسی از موقعیت خوبی برخوردار بوده‌اند. در حال حاضر افسران و ژنرال‌های زیادی از شیعیان در ارتش مشغول خدمت‌اند و در مجلس سنا و ملی نیز حضور

دارند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۷۲). در پی قدرت گرفتن شیعیان در ساختار سیاسی کشورهای خود، آن‌ها به ایفای نقش در عرصه بین‌المللی نیز پرداخته‌اند، به گونه‌ای که در این دوره پایانی قرن بیستم، تشیع دست کم از نظر افکار عمومی کشورهای غربی شبح هولناکی شده است (توال، ۱۳۸۰: ۱۷۲)؛ چراکه به صورت یکی از بازیگران اصلی در جامعه بین‌المللی و جهان درآمده (همان: ۱۸۱) و منشأ بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای جهان بوده است که این امر در افزایش قدرت شیعیان در منطقه و جهان تأثیر به‌سزایی داشته است؛ به گونه‌ای که قدرت‌های جهانی دیگر نمی‌توانند شیعیان را در بازی‌های سیاسی و تحولات جهانی نادیده بگیرند و از بازیگری آن‌ها در روابط بین‌الملل جلوگیری کنند.

موضع انقلاب اسلامی در روابط با ابرقدرت‌های دوره جنگ سرد و نفی سلطه آن‌ها و پرهیز از فرو رفتن در قالب یکی از اردوگاه‌های کلاسیک، باعث ورود نیروی سومی در صحنه روابط بین‌المللی گردید. نیرویی که از پتانسیل بالا برای تحول‌آفرینی برخوردار بود و برعکس نیروهای سوم نظیر جنبش غیرمتعهدها، کنفرانس اسلامی، اتحادیه‌های منطقه‌ای و... نیروی جدید با پتانسیل بالا و موضعی تهاجمی نسبت به نظام موجود وارد عرصه بین‌المللی گردید (حافظی‌نیا، ۱۳۷۸: ۳۴). این نیرو به‌رغم قرار داشتن در شرایط ناتوانی قدرت نسبت به دو ابرقدرت سنتی؛ یعنی آمریکا و شوروی، توانست روابط بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده و روابط متقابل و یا یک‌سویه موجود در اردوگاه‌های دوگانه را دچار تزلزل نماید و دولت‌های متمایل به اتخاذ مواضع مستقل‌تر را وادار به جدایی از اردوگاه‌ها کند و روحیه اعتراض نسبت به نظام سلطه دوقطبی را در آن‌ها تقویت کند (فوکو، ۱۳۷۹: ۸). انقلاب اسلامی ایران ماهیت و رسالتی فراملی دارد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی، دارای اهداف و آرمان‌هایی است که فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران می‌رود. آمال و آماجی که معطوف به انسان‌ها و ملت‌های دیگر در جوامع دور و نزدیک است. از این‌رو، انقلاب اسلامی ایران فراتر از تغییر و تحول ساختاری و هنجاری در جامعه و ملت ایران درصدد ایجاد تغییرات و تحولات بنیادی در دیگر جوامع و ملت‌ها بر اساس نظم و امنیت سیاسی - اجتماعی اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی

برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به‌زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به‌ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده است بلکه دوباره به‌عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیا شده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی را در راستای رستگاری و رهایی بشریت از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده است (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۳). در نهایت اینکه تأثیرات بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران و قدرت‌یابی شیعیان در سطح بین‌المللی، زمینه‌ای شد تا شیعیانی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس تحت حاکمیت امرای سنی بودند، درحالی‌که اقلیت جمعیت آن شیخ‌نشینان را تشکیل می‌دادند با احساس قدرت و غرور درصدد کسب هویت مجدد، قدرت و اجرای اعمال مذهبی بوده و عدم رضایت خود را نسبت به حکام ارتجاعی بروز دهند. در این امر نه تنها کشورهای حاشیه خلیج فارس بلکه تمام کشورهای جهان که اقلیتی شیعه در آن‌ها وجود داشت احساس قدرت نمودند. همانند گروه‌های شیعه و سنی از مصر همچون اخوان المسلمین و جهاد اسلامی تا جنبش مسلمانان مجاهد و حزب اسلامی در مالزی، الهامات زیادی از انقلاب اسلامی گرفتند. در شکل شماره (۶): مدل شماتیکی از تأثیر انقلاب اسلامی بر امنیت و قدرت‌یابی کشورهای منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری تحولات بین‌المللی را بیان می‌نماییم.



شکل شماره (۶): نقش انقلاب اسلامی در قدرت‌یابی و امنیت منطقه (مأخذ: نگارندگان)

۶. نتیجه‌گیری

امروزه نه تنها علاقه‌مندان و شیفتگان انقلاب اسلامی، بلکه حتی دشمنان و مخالفان آن‌ها معترف هستند که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی نه‌تنها در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران، بلکه جهان اسلام و حتی جهان بشریت بوده است. البته میزان تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان نبوده، به دلیل آنکه انقلاب بر پایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل بیت^(ع) به پیروزی رسیده است لذا بر شیعیان جهان تأثیر بیشتری داشته است. از این‌رو به جرأت می‌توان گفت: تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان لبنان بیش از دیگر جوامع بوده است. گروه‌های اسلامی شیعه مانند «حزب

الله» جنبش «امل» و جنبش امل اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران رشد کرده‌اند. چراکه انقلاب اسلامی ایران مردم جهان را به‌خصوص مردم لبنان را بیدار کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت که از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به‌زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به‌ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیاسیون نه‌تنها به پایان راه نرسیده است بلکه دوباره به‌عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیا شده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی را در راستای رستگاری و رهایی بشریت از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده است. بر این مبنا جمهوری ایران توانست با تقویت روحیه انقلابی و مقاومت در کشورهای منطقه، همگرایی و اتحاد را بین کشورهای منطقه غرب آسیا تا حدودی ایجاد کند و امنیت را به این منطقه هدیه دهد و به جرأت می‌توان گفت که انقلاب اسلامی تنها کشور تأثیرگذار بر امنیت منطقه می‌باشد و سایر کشورها از جمله عربستان، ترکیه و پاکستان سعی در ناامنی منطقه به نفع خود و در تعارض با انقلاب اسلامی دارند؛ اما همچنان که می‌بینیم روحیه مقاومت، ایثار و فداکاری در سربازان مقاومت جمهوری اسلامی ایران به حدی بالا است که توانسته‌اند کشورهای سوریه و عراق را پس از چند سال از هرگونه گروهک تروریستی داعش خالی نمایند و دوباره امنیت و شادی را به مردم این کشور هدیه دهند؛ بنابراین نمی‌توان نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در امنیت منطقه نادیده گرفت و به آن بی‌توجه بود، زیرا که اگر قدرت ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای نبود، شاید تمامی کشورهای غرب آسیا تاکنون تجزیه و فروپاشیده می‌شدند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آدمی، علی، (۱۳۹۱)، بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- احمدی، سید عباس و حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹). «موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۳۰.
- اسکاچ پل، تدا، (۱۳۷۶)، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سید مجید رویین تن، تهران: انتشارات سروش.
- اسپوزیتو، جان ال، (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۵)، ایران و «ثبات استراتژیک» در غرب آسیا، تهران: مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران.
- بغدادی، عبدالقاهر، (۱۳۸۵)، تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی، مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- تالاشان، حسن، (۱۳۸۹)، دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۱.
- توال، فرانسوا، (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه، سید حسن صدوق تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۸)، انقلاب اسلامی و تأثیرات بین‌المللی آن، فصلنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۱۵.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، (۱۳۷۸)، چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حسینیان، روح‌الله، (۱۳۸۰)، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- درخشه، جلال، (۱۳۸۴)، گفتمان سیاسی شیعه در عصر معاصر، تهران: دانشگاه امام صادق.

- دهقان، حمید، (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ، تهران: انتشارات شمسا.
- راستی، عمران و رحیمی، محمد، (۱۳۹۵)، امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور-پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان، تهران: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی ایران، علل، مسائل و نظام سیاسی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- عمید، حسن، (۱۳۷۳)، فرهنگ عمید (دوجلدی)، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۸۵)، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)»، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۸۶)، «ژئوپلیتیک شیعه، مسئله امنیت ملی ایران، فصلنامه شیعه‌شناسی»، سال چهارم، شماره ۱۳.
- فوکو، میشل، (۱۳۷۹)، ایران روح یک جهان بی‌روح، ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۸۱)، قاموس قرآن، انتشارات حیدری.
- قلی‌زاده، سید ابراهیم و کفاش جمشید، محمدرضا، (۱۳۹۲)، پیامدهای سیاسی - امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص ۱۳۳-۱۰۷.
- کلودزیچ، ادوارد، (۱۳۹۰)، امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پورآخوند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلشنی، علیرضا و سهرابی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره هجدهم، صص ۱۱۷-۸۱.
- گلدستون، جک، (۱۳۸۵)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- معین، محمد، (۱۳۶۵)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- متقی‌زاده، زینب، (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم: موسسه شیعه‌شناسی.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و اهداف، تهران: نشر دادگستر.

- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۱)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نصیری، محمد، (۱۳۸۹)، تحلیلی از تاریخ تشیع و امامان (علیهم‌السلام)، قم: دفتر نشر معارف.

ب. منابع انگلیسی

- Kurt Nimmo, ISIS AND THE PLAN TO BALKANIZE THE MIDDLE EAST, JUNE 15, 2014, available at: <http://www.infowars.com/isis-and-the-plan-to-balkanize-the-middle-east/>.

